

ما و سرنوشت رئیس‌جمهور ینگه‌دنی

سیده فاطمه موسوی

موضع قاطعانه امام در مقابل آمریکای جنایتکار به‌منظور اعتراض به دسیسه‌های امپریالیستی و صهیونیستی، سفارت جاسوسی آمریکا در تهران را به‌تصرف درآوردیم تا اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانیم. اولین کسی که حرکت آنان را تأیید کرد، امام رحمه‌الله بود و با واسطه مرحوم حاج احمدآقا خمینی به دانشجویان گفت: «خوب جایی را گرفته‌اید، محکم نگهدارید.» امام رهبری حرکتی را که «انقلاب دوم» نام نهاد، برعهده گرفت تا به بی‌راهه نرود.

ایشان حتی بیانیه‌های دانشجویان را - قبل از انتشار - با دقت مطالعه می‌کرد و نظراتش را در آن‌ها اعمال، و آن‌ها را اصلاح می‌نمود.

امام حتی دستور داد تا از همه رسانه‌ها و به‌ویژه قسمت اطلاعات و اخبار رادیو و تلویزیون خواسته شود، که همه اخبار و اطلاعات مربوط به قضایای لانه جاسوسی را در اولویت قرار دهند.

این اولین بار نبود که سفارت آمریکا در تهران اشغال می‌شد. پیش از آن در ۲۵ بهمن ۵۷ (۱۴ فوریه ۱۹۷۴)، سه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۷۵ نفر از چریک‌های فدایی خلق پس از درگیری مسلحانه کوتاهی که به مجروح شدن یکی از تفنگداران آمریکایی انجامید، سفارت را اشغال کردند. اما چند دقیقه بعد با وساطت نمایندگان کمیته انقلاب، پراکنده شدند. چرا که در نیت و اهداف آنان و نقش سفارت شوروی در این اقدام ابهام‌های تردید برانگیز جدی وجود داشت.

هرچه بود ما برای این کار بهای کمی پرداخت نکردیم. اما آنچه به‌دست آوردیم، با آنچه از دست دادیم، قابل مقایسه نیست.

بودند: «ای جوان‌هایی که در مقابل توپ و تانک رفتید و خواهرهایی که جوانان خود را از دست داده‌اید... حفظ کنید خودتان را... نهضت خودتان را حفظ کنید. ننشینید دیگران برای شما کار کنند، این‌ها (دولت موقت و روشن‌فکران غرب‌زده) برای شما کاری نمی‌کنند.»

و همین شد که نمایندگان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام چهار دانشگاه که طرح اشغال سفارت را از مدتی پیش در ذهن داشتند، با تشکیل جلسه‌ای به برنامه‌ریزی برای تصرف سفارت آمریکا پرداختند تا کشورشان را از توطئه‌های آمریکا نجات دهند. کشوری که «سایروس ونس» وزیر امور خارجه دولت کارتر درباره‌اش گفت: «رفتن ایران از صف کشورهای متحد آمریکا و افتادن این کشور به‌دست رژیمی که دوست ما نیست، ضربه‌ای اساسی به منافع سیاسی - امنیتی ما در آسیای جنوب غربی و خاورمیانه به‌شمار می‌رود.»

همه چیز از صبح پاییزی ۱۳ آبان شروع شد. ساعت دهنیم صبح، حدود ۴۰۰ نفر از دانشجویان که عکس امام را به سینه‌هایشان زده بودند، از یک چهارراه قبل از سفارت آمریکا حرکت کردند، و هنگامی که جلوی در اصلی سفارت آمریکا رسیدند، پس از گشودن زنجیرهای این در به داخل سفارت رفتند. گروهی از دانشجویان نیز از دیوار خود را به داخل سفارت رساندند. آن‌ها پس از مقاومت سه ساعته، همراه با پرتاب گاز اشک‌آور از جانب تفنگداران آمریکایی، ۷۲ آمریکایی را گروگان گرفتند و...

دانشجویان در بیانیه خود، علت اقدام‌شان را این‌طور عنوان کردند: «ما دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از

* «عجیب است که سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری کشور بزرگ ما، نه در شیکاگو یا نیویورک، بلکه در تهران تعیین می‌شود.»

کارتر (رئیس‌جمهور وقت آمریکا) راست می‌گفت. یک مشت دانشجوی یک مملکت (توضیح: برخی از آنان بعداً تو زرد از آب درآمدند!) تازه انقلاب کرده، دنیا را بهم ریخته بودند و لحظه به لحظه معادلات سیاسی دنیا را برهم می‌زدند. ذهنیت ملت‌ها را عوض می‌کردند و به آن‌ها ثابت می‌کردند که بی‌خود نگفته‌اند خواستن توانستن است.

یک یا علی بگویند و این آمریکایی‌های خودخواه را از مملکت‌تان بریزید بیرون. تفنگ و توپ و تانک نمی‌خواهد، فکر و اراده می‌خواهد. به همین دلیل است که «همیلتون جردن» رئیس ستاد انتخاباتی کارتر در انتخابات سال ۱۹۸۰ گفت: «برای من روشن بود که کلید انتخابات در دست کسان دیگر در آن سوی دنیا است که تصمیم و عمل‌شان تا آخرین لحظه قابل پیش‌بینی نیست.»

* امیرکبیر، تهران و صنعتی شریف؛ نام‌های تلخی برای کارتر هستند.

یک‌مشت دانشجو که تمام سرمایه‌شان، یک بغل کتاب‌شان بود و به پشت‌گرمی سخنان رهبرشان از دیوارهای سفارت قدرتمندترین کشور دنیا بالا رفتند. آن‌ها که یک روز پیش، در ۱۲ آبان ۱۳۵۸ از رهبرشان شنیده بودند: «دانشگاهیان، دانش‌آموزان و طلاب علوم دینی با قدرت تمام مبارزه خود را علیه آمریکا گسترش دهند.» و پیش‌ترش در روز ۹ آبان، شنیده

